



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۲-۱۱۵

## ترکیب گروهی در زبان فارسی<sup>۱</sup>

### موسی غنچه پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

#### چکیده

در این نوشتار، ترکیب گروهی در زبان فارسی معاصر با توجه به ۲۸۱ واژه (۱۳۵ واژه مرکب گروهی فعلی و ۱۴۶ واژه مرکب گروهی غیر فعلی) استخراج شده از فرهنگ بزرگ سخن انوری (Anvari, 2007) بررسی می‌شود. هدف پژوهش، مطالعه ترکیب‌های گروهی از جنبه هسته معنایی، هسته نحوی، نوع واژه و مقوله‌های سازنده در چارچوب نظری لیبر (Lieber, 2009; Lieber, 2010) است تا دسته‌بندی کاملی از این مقوله در زبان فارسی ارائه شود. همچنین، با مقایسه ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو ساخت روشن شود. تحلیل داده‌ها نشان داد که ترکیب گروهی ساختی متشکل از انضمام گروه نحوی به سازه واژگانی است. سازه واژگانی در ترکیب‌های گروهی فعلی، هسته و در ترکیب‌های گروهی غیر فعلی بسته به نوع ترکیب، هسته و یا غیر هسته است. ترکیب‌های گروهی با توجه به ساختار و هسته نحوی برگرفته از فعل یا غیر فعل شامل دو طبقه فعلی و غیر فعلی می‌شوند. برخلاف ترکیب‌های گروهی فعلی که به لحاظ هسته نحوی فقط هسته پایانی هستند، ترکیب‌های گروهی غیر فعلی می‌توانند هسته آغازین، هسته پایانی و یا فاقد هسته باشند. از نظر هسته معنایی، ترکیب‌های گروهی فعلی درون‌مرکز هسته پایانی و برون‌مرکز هستند و به انواع موضوعی، افزوده‌ای و وصفی دسته‌بندی می‌شوند، حال آنکه نوع غیر فعلی فقط برون‌مرکز هستند. داده‌ها تأییدی است بر اینکه از نظر نوع واژه، صفت‌های مرکب گروهی فعلی و غیر فعلی فراوانی

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.40724.2193

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.48.6.3

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات، هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران؛

m.ghonchepour@cfu.ac.ir

بیشتری در مقایسه با اسم‌ها و قیده‌های مرکب گروهی فعلی و غیر فعلی دارند. از نظر نوع سازه‌های تشکیل دهنده، ترکیب غیر فعلی تنوع بیشتری در مقایسه با فعلی دارد. نیز در هر دو نوع ترکیب، گروه حرف اضافه‌ای فراوانی بیشتری در مقایسه با گروه‌های نحوی اسمی و صفتی در ساخت ترکیب‌های گروهی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** ترکیب گروهی، موضوع، گروه نحوی، هسته، زبان فارسی

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسان در سراسر دنیا پژوهش‌های بسیاری در زمینه ترکیب انجام داده‌اند (Scalise & Vogel, 2010; Štekauer & Lieber, 2009; Bagasheva, 2017; Kavka, 2009; Kageyama, 2009; Kornfeld, 2009; Harley, 2009; Lieber, 2009 & 2010; Neef, 2009; Ralli, 2009). در زبان فارسی نیز پژوهش‌های خوبی درباره ترکیب فعلی و غیر فعلی (Khabbaz, 2006 & 2007; Ghonchepour, 2014 & 2018; Tabataba'i, 2003, 2010 & 2011; Ahmadi & Anoushe, 2020; Pourshahian et al., 2016; Arkan, 2016; Eslamipour et al., 2011) انجام گرفته است؛ ولی به‌طور کلی، زبان‌شناسان کمتر به ترکیب گروهی<sup>۱</sup> توجه داشته‌اند و دلیل آن را می‌توان عدم مطابقت ساخت ترکیب گروهی با معیارهای معمول و رایج برای ساخت ترکیب در نظر گرفت (Menova, 2012). به بیان دیگر، بهره‌گیری از گروه در ساختار ترکیب‌های گروهی معیار یکپارچگی واژگانی را تضعیف می‌کند. افزون بر این، حضور ساخت‌های نحوی در ترکیب مانند هم‌پایگی، ساختار آن‌ها را متفاوت از ترکیب معیار می‌سازد. در زبان فارسی پژوهشگران، این ساخت‌ها را بدون توجه به حضور گروه‌های نحوی در آن‌ها، با عنوان‌های ترکیب‌های فعلی و غیر فعلی مطرح، بررسی و طبقه‌بندی کرده‌اند. برای نمونه، طباطبایی (Tabataba'i, 2007, p. 194 & 2011: 159) ساخت‌های دست‌به‌عصا، چشم‌به‌راه و عاقبت‌به‌خیر را صفت مرکب و خباز (Khabbaz, 2006, p. 154-282) ساخت‌های حلقه‌به‌گوش، آرزو به دل و پایه‌سن را ترکیب غیر فعلی دانسته‌اند.

نخستین بار یسپرسن (Jespersen, 1946, p. 154) از اصطلاح‌های زنجیری/ردیفی<sup>۲</sup>، گروهی و برگرفته از گروه<sup>۳</sup> برای اشاره به این ساخت‌ها بهره می‌گیرد. سپس، متسیوس (Mathesius, 1975) ترکیب گروهی را با عنوان واژه‌های مرکب محض مطرح می‌کند. بررسی پژوهش‌های پیشین در این زمینه بیان‌گر آن است که از این ساخت‌ها با عنوان‌های ترکیب گروهی

<sup>1</sup> phrasal compound

<sup>2</sup> string

<sup>3</sup> dephrasal

Bauer, 1983; Bisetto & Scalise, 2005; Lieber, 2005; Lieber, 2010; )  
(Meibauer, 2007)، ترکیب برگرفته از گروه (Huddleston & Pullum, 2002)، گروه‌های  
نحوی<sup>۱</sup> و یا گروه‌های واژگانی شده<sup>۲</sup> (Plag, 2003) یاد شده‌است. در این پژوهش، با توجه به  
اینکه اصطلاح ترکیب گروهی ماهیت این نوع ساخت‌ها را بهتر نشان می‌دهد و نیز با توجه به  
حضور الزامی گروه نحوی در ساختار آن‌ها، از اصطلاح ترکیب گروهی بهره گرفته می‌شود.  
هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل ترکیب گروهی در زبان فارسی با استفاده از پیکره زبانی  
در چارچوب نظری لیبر (Lieber, 2009; Lieber, 2010) است. به این منظور، ۲۸۱ واژه مرکب  
گروهی (۱۳۵ واژه مرکب گروهی فعلی و ۱۴۶ واژه مرکب گروهی غیر فعلی) از فرهنگ بزرگ  
هشت‌جلدی سخن انوری (Anvari, 2007) استخراج شد. زبان مورد نظر، زبان فارسی معاصر  
است که با توجه به تنوع گویش‌ها در ایران، گویش تهرانی که نزدیک به زبان معیار است  
(Anvari, 2007, p. 24) مبنا قرار گرفته‌است. واژه‌های مرکب گروهی مرتبط با زبان فارسی  
قدیم تحلیل نشده‌اند و ساختار واژه‌های مرکب گروهی میانه دوره قاجار به بعد بررسی شده‌اند.  
برای تعیین اینکه آیا واژه مرکبی مربوط به زبان فارسی امروز و یا قدیم است، اگر پس از مدخل  
نشانه اختصاری قد کوتاه شده واژه قدیمی آورده شده باشد یا اینکه واژه منسوخ آمده باشد، این  
واژه‌ها مربوط به دوره قدیم به شمار آمده و تحلیل نشده‌اند. واژه‌های مرکب گروهی ساخت‌هایی  
دانسته شدند که از انضمام گروه نحوی به سازه واژگانی شکل می‌گیرند. معیار تشخیص واژه‌های  
مرکب گروهی فعلی و غیر فعلی سازه برگرفته فعلی در نقش هسته ترکیب مبنا قرار گرفته‌است،  
بنابراین، فقط حضور ستاک برگرفته فعلی در ساختار واژه، ترکیب فعلی را شکل نمی‌دهد، بلکه  
این ستاک باید هسته نحوی واژه مرکب گروهی نیز واقع شود. در این پژوهش، رویکرد لیبر  
(Lieber, 2009; Lieber, 2010) مبنای هسته نحوی و معنایی واقع شده‌است. هسته نحوی  
سازه‌ای است که مقوله دستوری واژه مرکب را تعیین می‌کند. هسته معنایی نیز آن سازه‌ای است  
که واژه مرکب در شمول آن قرار دارد. پس از استخراج واژه‌های مرکب گروهی فعلی و غیر  
فعلی، فراوانی آن‌ها اندازه‌گیری شده و از جنبه ساختار نحوی و معنایی تحلیل شدند تا روشن  
گردد چه گونه‌هایی از آن‌ها در زبان فارسی یافت می‌شود و سازه‌های تشکیل دهنده آن‌ها کدامند.  
افزون بر این، ترکیب‌های بالا از جنبه هسته نحوی، معنایی و مقوله کلی دسته‌بندی می‌شوند. با  
توجه به سازه‌های سازنده ترکیب‌های گروهی و پیکره زبانی تعریفی از ترکیب گروهی ارائه  
می‌شود که با ساختار و ماهیت ترکیب گروهی در زبان فارسی همخوانی داشته باشد.

<sup>1</sup> syntactic phrases

<sup>2</sup> lexicalized phrases

## ۲. پژوهش‌های پیشین

در مورد ترکیب گروهی، ساختار و مشخصه‌های آن‌ها، رویکردهای متفاوتی ارائه شده‌است. برخی زبان‌شناسان (Lieber, 2010; Plag, 2003; Pafel, 2017; Namiki, 2001; Trips & Kornfilt, 2015, p. 288; Hein, 2011, p. 343) آغازین آن گروه نحوی و عنصر پایانی آن اسم است، می‌انگارند. آن‌ها بر این باورند که ترکیب گروهی از دو عنصر توصیف‌کننده (گروه صفتی) و اسم در نقش هسته ترکیب تشکیل شده‌است. برخی دیگر (Jespersen, 1946; Spencer, 2005; Strauss, 1982) ترکیب گروهی را ساختی که عنصر آغازین آن گروه نحوی است می‌دانند که سازه‌های آن از طریق حروف ربط به یک‌دیگر مرتبط شده‌باشند. افزون بر این، دیگر زبان‌شناسان (Kageyama, 2009; Wiese, 1996; Szymanek, 2017; Lawrenz, 2006, p. 135; Meibauer, 2007, p. 236) ترکیب‌های گروهی را ساخت‌هایی می‌انگارند که گروه نحوی در آن‌ها گروه اسمی است که با صفتی توصیف می‌شود و یا با گروه اسمی هم‌پایه است. گروه نحوی سازه غیر هسته و همیشه در سمت چپ واقع است. در مقابل، برخی (Bresnan & Mchambo, 1995; Booij, 2005; Botha, 2015) ترکیب‌های گروهی را به سبب واژگانی شدن سازه اول و یا ماهیت خارج از بافت داشتن آن، ترکیب نمی‌دانند.

هادلستون و پولم (Huddleston & Pullum, 2002, p. 1646) ترکیب گروهی را ساختی متشکل از توالی پایه‌های آزاد<sup>۱</sup> می‌دانند و آن‌ها را به ترکیب‌های گروهی اسمی، صفتی، فعلی و اشتقاقی با پایه اسمی دسته‌بندی می‌کنند. پلاگ (Plag, 2003, p. 135) ترکیب‌های گروهی را ساخت‌های دوشاخه‌ای<sup>۲</sup> که عنصر سمت راست هسته است، می‌انگارند. وی با ارائه نمونه‌هایی مانند *over-the-fence gossip* «شایعه غیر منطقی» بر این باور است که در ترکیب‌های گروهی، عنصر سمت چپ (آغازین) گروه نحوی است. از نظر وی، گروه نحوی، عنصر پایانی ترکیب واقع نمی‌شود و اگر واقع شود مانند *gossip over the fence*، ساخت حاصل ترکیب نیست، بلکه گروه است. افزون بر این، ساخت‌هایی مانند *jack-in-the-box* «اسباب‌بازی علی‌ورجه» گروه واژگانی شده هستند و ترکیب نیستند. زیرا با معیارهای ترکیب گروهی همخوانی ندارند. لیبر (Lieber, 2010, p. 152) نیز ترکیب گروهی را ساختی که گروه نحوی عنصر آغازین و اسم عنصر پایانی آن است در نظر می‌گیرد.

از دید بائر (Bauer, 1983, p. 206) در ترکیب‌های گروهی، یک گروه در ساخت واژه

<sup>۱</sup> free bases

<sup>۲</sup> binary

جدید ایفای نقش می‌کند. وی بر پایه ارتباط بین سازه‌ها، سه مقوله و زیر مقوله ترکیب گروهی را معرفی می‌کند:

۱. ترکیب‌های گروهی درون‌مرکز که در شمول معنایی هسته دستوری قرار دارند. این ترکیب‌ها به دو گروه هسته‌آغازین و هسته پایانی دسته‌بندی می‌شوند. نمونه‌های dog-in-the-manger «آدم بخیل» و lady-in-waiting «ندیمه‌ملکه» از نوع درون‌مرکز هسته‌آغازین و a what-do-you- think movement «جنبش چی فکر می‌کنید؟» از نوع درون‌مرکز هسته پایانی است. در نوع آغازین اسم هسته و گروه حرف اضافه‌ای غیر هسته است، در حالی که در نوع پایانی، اسم هسته و جمله، سازه آغازین غیر هسته است.

۲. واژه‌های ربطی<sup>۱</sup> که بیشتر به گروه نحوی شباهت دارند تا ترکیب مانند milk and water.

۳. ترکیب‌های گروهی برون‌مرکز که در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب قرار نمی‌گیرند. مانند love in a mist «سیاه‌دانه دمشقی»

نوسک<sup>۲</sup> (Nosek, 1985, p. 161-162) ترکیب‌های گروهی را بر پایه ساختار درونی به انواع زیر دسته‌بندی می‌کند:

۱. ترکیب‌های گروهی که اسم، ضمیر و یا صفت دارند مانند all-or-nothing decision «تصمیم همه یا هیچ».

۲. ترکیب‌های گروهی که فعل دارند مانند happy-go-lucky man «آدم بی‌خیال».

۳. ترکیب‌های گروهی که از حرف ربط در ساختار آنها بهره گرفته شده است. حروف ربط شامل and «و» مانند touch-and-go «نامطمئن»، plus «به‌علاوه» مانند language-plus-cognition differences «تفاوت‌های زبانی - شناختی»، or «یا» مانند an all-or-nothing matter «موضوع همه یا هیچ» و than «در مقایسه با» مانند larger-than-life «جذاب» می‌شوند که افزایش، شق دیگر و تقابل را بین سازه‌های ترکیب نشان می‌دهند.

۴. ترکیب‌های گروهی حرف اضافه‌ای که گروه حرف اضافه در ساختار آنها به کار رفته است مانند mouth-to-mouth «دهان‌به‌دهان».

از دید کاگیاما (Kageyama, 2009, p. 518-520) ترکیب‌های گروهی ارتباط میان صرف و نحو را به‌خوبی نشان می‌دهند. در زبان ژاپنی در ترکیب‌های فعلی، گروه نحوی سازه غیرهسته و همیشه در سمت چپ واقع است. این سازه، گروه اسمی است که با صفتی توصیف می‌شود مانند [clean-INFL town]-making zukuri [NPkirei-na mati]- «ساخت شهری

<sup>1</sup> copulative

<sup>2</sup> Nosek

تمیز» و یا با گروه اسمی هم‌پایه است مانند [karaoke and game]-tournament) «مسابقهٔ بازی و کارائوکه». گروه‌های فعلی صرف‌شده<sup>۱</sup>، گروه‌های تصریفی<sup>۲</sup> یا گروه‌های متمم‌نما<sup>۳</sup> نمی‌توانند در ساختار ترکیب‌های گروهی در زبان ژاپنی مشارکت داشته باشند.

پافل (Pafel, 2015) ترکیب‌های گروهی را به دو نوع محض و شبه‌گروهی دسته‌بندی می‌کند. سازهٔ غیر هسته (گروه نحوی) ترکیب‌های گروهی محض اسم است و در اصل آن‌ها ترکیب‌های باقاعدهٔ اسم-اسم هستند و هیچ گروهی در ساختار آن‌ها وجود ندارد. در ترکیب‌های شبه‌گروهی فقط اسم هسته است مانند  $[[AN]_N N]_N$  zweibettzimmer «اتاق دوخوابه». این در حالی است که در نوع محض هسته می‌تواند سازهٔ صفتی نیز باشد. مانند slept-all-day look «نگاه خواب‌آلود». به بیان دیگر، ترکیب‌های دارای هستهٔ صفتی ترکیب‌های گروهی محض و آن‌هایی که دارای هستهٔ اسمی هستند، ترکیب‌های شبه‌گروهی هستند. تریپس (Trips, 2012, p. 322) نیز بیان می‌کند که سازهٔ سمت چپ ترکیب‌های گروهی یک گروه فرافکنی پیچیده است (گروه تصریف یا متمم‌نما) مانند the I'll think about response «پاسخ به آن فکر می‌کنم»، حال آنکه برخلاف آن‌چه وی ادعا می‌کند در ترکیب‌های گروهی در زبان بلغاری (Bagashava, 2017, p. 84) oči-čereši (eyes-cherries) هستهٔ اسمی در سمت چپ نیز واقع می‌شود مانند «چشمان زیبا».

در زبان فارسی، پژوهشی که مستقیماً در پیوند با ترکیب گروهی باشد یافت نشد، بنابراین به پژوهش‌هایی که ارتباط نزدیکی با موضوع این مقاله دارند، اشاره می‌شود. طباطبایی (Tabataba'i, 2003, p. 3) در بررسی اسم و صفت مرکب، ملاک‌های آوایی، صرفی و نحوی را برای تشخیص واژهٔ مرکب از گروه نحوی ارائه می‌کند. وی (Tabataba'i, 2007) واژه‌های مرکب را از جنبهٔ ساختار، مقوله و روابط نحوی-معنایی میان واژه‌های سازنده از جنبهٔ نحوی به دو گروه هسته‌آغازین و هسته‌پایانی و از نظر معنایی به درون‌مرکز، برون‌مرکز و متوازن‌گره‌بندی می‌کند. شقاقی (Shaghghi, 2007, p. 91) در بررسی ترکیب بیان می‌کند که اگر یکی از اجزای واژه‌های مرکب فعل باشد، مرکب فعلی و در صورتی که هیچ‌یک از اجزای آن فعل نباشد، مرکب غیر فعلی است. خباز (Khabbaz, 2007) واژه‌های مرکب غیر فعلی و غنچه‌پور (Ghonchepour, 2014) واژه‌های مرکب فعلی را در زبان فارسی بررسی نموده و

<sup>1</sup> Inflected vps

<sup>2</sup> TPs

<sup>3</sup> CPs

دسته‌بندی‌های گوناگونی برای این دو نوع ترکیب ارائه کرده‌اند. واحدی (Vahedi, 2009) اسم‌های مرکب زبان فارسی را که از طریق پسوند *-نده* و صفر *[φ]* تشکیل می‌شوند، بررسی می‌کند. احمدی و انوشه (Ahmadi & Anoushe, 2020) با توجه به صرف توزیعی واژه‌های مرکب زبان فارسی را به دو گروه ریشه‌ای و ترکیبی دسته‌بندی می‌کنند. اسلامی‌پور و همکاران (Eslamipour et al., 2016) نیز در بررسی واژه‌های مرکب بر اساس دو رویکرد واژه‌بنیاد و تکواژه‌بنیاد نشان می‌دهند که واژه‌های مرکب در زبان فارسی واژه‌بنیاد هستند.

### ۳. چارچوب نظری

این پژوهش بر مبنای یافته‌های لیبر (Lieber, 2009; Lieber, 2010) در مورد ترکیب انجام شده است. وی به تعامل دو حوزه صرف و نحو و ترکیب در نقطه تعامل این دو حوزه معتقد است. لیبر (Lieber, 2010, p. 152) ترکیب گروهی را ساختی که عنصر آغازین آن گروه نحوی و عنصر پایانی آن اسم است، در نظر می‌گیرد. از دید وی ترکیب گروهی از دو عنصر توصیف‌کننده (گروه صفتی) و اسم در نقش هسته تشکیل شده است. وی (Lieber, 2009, p. 363) ترکیب‌های گروهی را حاشیه‌ای به شمار می‌آورد و آن‌ها را ساخت‌هایی می‌داند که عنصر آغازین آن‌ها حتی جمله نیز می‌تواند باشد. افزون بر این، وی ترکیب‌های گروهی را از جنبه هسته نحوی، معنایی و ارتباط بین سازه‌ها طبقه‌بندی می‌کند.

لیبر (Lieber, 2009, p. 366) مفهوم هسته را در صرف مطرح و هسته نحوی واژه‌های مرکب را آن سازه‌ای می‌انگارد که با کل واژه مرکب هم‌مقوله است و از طریق تراوش<sup>۱</sup> مشخصه‌های خود به واژه مرکب، مقوله ترکیب را مشخص می‌نماید. از جنبه هسته نحوی ترکیب به گونه‌های زیر گروه‌بندی می‌شود:

۱. ترکیب‌های دارای هسته نحوی که سازه آغازین یا پایانی ترکیب مقوله کلی ترکیب را مشخص می‌کند.

۲. ترکیب‌های بدون هسته نحوی که مقوله ترکیب با مقوله سازه‌های ترکیب متمایز از یک‌دیگر هستند (Ceccagno & Basciano, 2009, p. 483 reports from Huang, 1998).

۳. ترکیب‌های دارای هسته نامشخص<sup>۲</sup> که در آن‌ها مقوله هر دو سازه ترکیب با مقوله ترکیب یکسان است و مشخص نیست که ترکیب مقوله خود را از کدام سازه دریافت می‌کند (Ralli, 2009, p. 459).

<sup>1</sup> percolation

<sup>2</sup> opacity head

هسته معنایی ترکیب آن سازه‌ای است که از اهمیت بیشتری برخوردار است و ترکیب در شمول معنایی آن قرار دارد (Lieber, 2010: 46). ترکیب با توجه به هسته معنایی به گونه‌های زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. ترکیب موضوعی که سازه غیر هسته، موضوع درونی سازه هسته نحوی است. ترکیب‌های موضوعی به دو نوع درون‌مرکز و برون‌مرکز گروه‌بندی می‌شوند. در نوع درون‌مرکز، یکی از سازه‌های ترکیب (سازه آغازین و یا پایانی) هسته ترکیب است و ترکیب در شمول معنایی سازه فوق‌قرار دارد (Lieber, 2010, p. 43-48). نوع برون‌مرکز (فاقد هسته) در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌ها قرار نمی‌گیرند و هسته معنایی آن‌ها در خارج از ترکیب واقع است (Lieber, 2009, p. 367).

۲. ترکیب‌های توصیفی که از انضمام صفت به سازه هسته ساخته می‌شوند.

۳. ترکیب‌های افزوده‌ای که از انضمام افزوده به سازه هسته شکل می‌گیرند.

#### ۴. ترکیب گروهی در زبان فارسی

ترکیب گروهی واژه‌ای متشکل از دست کم دو سازه است که هسته نحوی آن مقوله‌ای واژگانی و سازه غیر هسته، گروه نحوی است. گروه نحوی در ساخت ترکیب‌های گروهی می‌تواند موضوع، افزوده و یا صفت باشد. واژه‌های مرکب گروهی بر پایه اینکه هسته نحوی آن‌ها برگرفته از فعل است و یا اینکه هسته نحوی آن‌ها برگرفته از فعل نیست، به دو گروه واژه‌های مرکب گروهی فعلی و واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی دسته‌بندی می‌شوند، که در این جا به انواع و مشخصه‌های هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

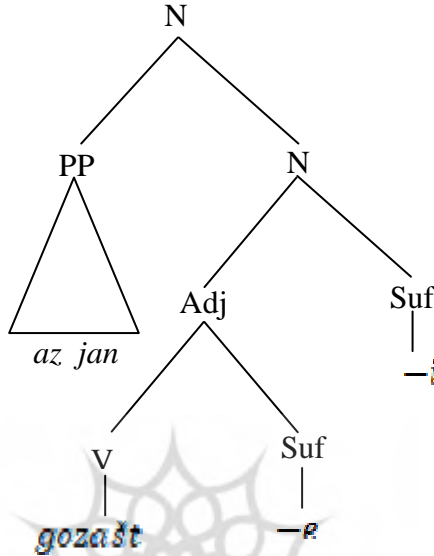
#### ۴.۱. ترکیب گروهی فعلی

واژه‌های مرکب گروهی فعلی به ترکیب‌هایی گفته می‌شود که هسته نحوی آن‌ها برگرفته از فعل و سازه غیر هسته گروه نحوی باشد. برای نمونه، ترکیب گروهی فعلی *آب‌ونان‌دار* متشکل از گروه اسمی *آب‌ونان* به‌عنوان سازه غیر هسته و سازه صفتی برگرفته فعلی *دار* (دار-Ø) به‌عنوان هسته نحوی است. نمونه *ازجان‌گذشتگی* از گروه حرف اضافه‌ای *ازجان* (سازه غیر هسته) و اسم برگرفته فعلی *گذشتگی* (هسته نحوی) شکل گرفته است. در نمونه *جست‌وخیزکنان*، گروه اسمی *جست‌وخیز* در نقش سازه غیر هسته و سازه *کنان* (از فعل کردن) به‌عنوان هسته نحوی، ترکیب بالا را شکل داده‌اند. در زیر برای نمونه، ساخت سازه‌ای ترکیب‌های گروهی *ازجان‌گذشتگی* و *آب‌ونان‌دار* از طریق قلاب و نمودار درختی نشان داده شده است.

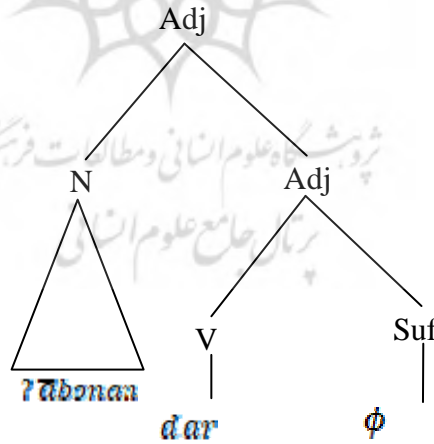


N[[از]]جان[[ی]] pp[[گذشت]] v[۴ - v]

Adj[Adj[ $\Phi$  - v]] NP[آب و نان]]



شکل ۱: نمودار درختی اسم مرکب گروهی از جان گذشتگی



شکل ۲: نمودار درختی صفت مرکب گروهی آب و نان دار

#### ۴. ۱. ۱. ترکیب گروهی فعلی از نظر هسته نحوی

در واژه‌های مرکب گروهی فعلی، سازه غیر هسته (گروه نحوی) موضوع، افزوده و یا صفت است. نمونه درهم شکستگی از دو سازه گروه حرف اضافه‌ای (درهم) و اسم (شکستگی) تشکیل

شده است. از آن جا که مقوله این ترکیب اسم است، سازه دوم، مقوله آن را تعیین می‌کند. در نمونه‌های درهم آمیخته و از آب گرفته سازه‌های صفتی آمیخته و گرفته مقوله ترکیب‌های گروهی فعلی صفتی را مشخص می‌سازد. در واژه‌های مرکب گروهی فعلی، گروه نحوی اسمی، صفتی و یا حرف اضافه‌ای به ستاک بر گرفته فعلی منضم می‌شود و این سازه بر گرفته فعلی، مقوله نحوی ترکیب را مشخص می‌سازد، پس در این ترکیب‌ها سازه پایانی هسته نحوی را تعیین می‌نماید. در پیکره ترکیب‌های گروهی فعلی زبان فارسی ترکیب‌های هسته آغازین، بدون هسته (مقوله دستوری واژه مرکب هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب نیست) و نامشخص (سازه‌های ترکیب مقوله یکسان دارند و مشخص نیست ترکیب مقوله خود را از کدام سازه دریافت می‌کند) مشاهده نشد. از آن جا که سازه بر گرفته فعلی در نقش هسته نحوی از سازه‌های حتمی در ساخت این نوع ترکیب است، همه ترکیب‌های گروهی فعلی از جنبه نحوی هسته پایانی هستند. ترکیب‌های تجدیدنظرخواهی، چشم‌و گوش‌بستگی، خوش‌آمدگویی و رخت‌خواب‌پیچ از این نمونه‌اند. در ترکیب سرودست‌شکسته، سازه آغازین سرودست موضوع، در نمونه حرام‌و حلال‌شناس صفت و در ازبرخوانی سازه ازبرافزوده حالت است و نحوه خواندن را بیان می‌کند. داده‌های ترکیب‌های گروهی فعلی نشان می‌دهد که این نوع ترکیب‌ها مقوله‌های اسم (مال‌مردم‌خواری، از خودگذشتگی، جابه‌جا پندیری)، صفت (گوربه‌گور شده، از حال رفته، از پادر آمده، از جنگ برگشته، به درد بخور، درهم‌فشرده، پدر و مادر دار، چشم‌و گوش‌بسته، دست‌و پاشکسته) و قید (خوش‌آمدگویی، شلنگ و تخته‌اندازان و جست‌وخیزکنان) را در بر می‌گیرند.

#### ۴. ۱. ۲. ترکیب گروهی فعلی از نظر هسته معنایی

از نظر هسته معنایی ترکیب‌های گروهی فعلی درون‌مرکز هسته پایانی و برون‌مرکز هستند. ترکیب‌های فعلی درون‌مرکز آن‌هایی هستند که ترکیب در شمول معنایی یکی از سازه‌ها قرار دارد. در زبان فارسی ترکیب گروهی فعلی درون‌مرکز هسته آغازین وجود ندارد، ولی نوع هسته پایانی وجود دارد. ترکیب‌های از هم‌گسسته، از هم‌گسیخته، حق و حساب‌دان، خوش‌آمدگویی، درهم‌پیچیدگی، دست‌دوم‌فروش، دست‌وروشویی، گل‌وبوته‌دار، وصله‌وپینه‌دار، حرام‌و حلال‌شناس و مال‌مردم‌خواری نمونه‌هایی از ترکیب‌های گروهی فعلی هسته پایانی به شمار می‌آیند. برای نمونه، دست‌دوم‌فروش، فروشنده جنس‌های دست‌دوم است. به بیان دیگر، دست‌دوم‌فروش نوعی فروشنده و از جنبه معنایی هسته پایانی است.

در ترکیب‌های برون‌مرکز، ترکیب در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب واقع نمی‌شود و به مصداق یا مفهومی خارج از ترکیب اشاره می‌کند. دست‌وروشسته، دل‌از دست‌داده،

شیرپاک‌خورده و گوربه‌گورافتاده نمونه‌هایی از این نوع هستند. برای نمونه، شیرپاک‌خورده، نوعی شیر و یا نوعی خوردن نیست بلکه به کسی گفته می‌شود که دارای اصل و نصب نجیب و پاکی است. با توجه به موضوع و یا غیر موضوع بودن گروه نحوی، ترکیب‌های گروهی فعلی از جنبه هسته معنایی ممکن است موضوعی و یا غیر موضوعی باشند.

#### ۴. ۱. ۲. ۱. ترکیب گروهی فعلی موضوعی

واژه‌های مرکب گروهی فعلی موضوعی آن‌هایی هستند که سازه گروه نحوی، موضوع درونی و یا بیرونی سازه هسته (اسم و یا صفت برگرفته فعلی) است. در ترکیب‌های مال‌مردم‌خور و مغزخ‌خورده، سازه‌های مال‌مردم و مغزخ موضوع پذیرنده و سازه‌های خور+ $\phi$  و خورده به ترتیب هسته ترکیب هستند. در ترکیب‌های چشم‌وگوش‌بسته و چشم‌وگوش‌بستگی سازه غیر هسته چشم‌وگوش در هر دو ترکیب موضوع بیرونی هسته صفتی و اسمی برگرفته فعلی ترکیب‌های بالا هستند. ترکیب‌های گروهی فعلی موضوعی به دو طبقه دارای هسته (درون مرکز) و فاقد هسته (برون مرکز) گروه‌بندی می‌شوند.

در ترکیب‌های گروهی فعلی موضوعی درون مرکز، سازه غیر هسته (گروه نحوی) موضوع هسته برگرفته فعلی است. افزون بر این، واژه مرکب در شمول معنایی هسته ترکیب واقع می‌شود و این سازه به جای کل ترکیب استفاده می‌شود. در بیکره ترکیب گروهی فعلی، واژه مرکب درون مرکز هسته آغازین یافت نشد. نمونه‌های پرت‌وپلاگویی، حق‌وحساب‌دانی، وصله‌وپینه‌دار، مال‌مردم‌خوری و دست‌دوم‌فروشی ترکیب‌های گروهی فعلی درون مرکز هسته پایانی هستند.

ترکیب‌های گروهی فعلی موضوعی برون مرکز، هسته معنایی ندارند و ترکیب در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌ها واقع نمی‌شود. نمونه‌های دودچراغ‌خورده و دودچراغ‌خوردگی نوعی دودچراغ و خوردن نیست بلکه رنج و زحمت بسیار کشیدن است. همچنین، سردوگرم‌چشیده نوعی سردوگرم و یا نوعی چشیدن نیست، بلکه به فردی اشاره دارد که دارای تجربه‌های بسیار و با تجربه است. نمونه‌های تودل‌برو و دل‌ازدست‌داده نیز از این مقوله هستند.

#### ۴. ۲. ۱. ۲. ترکیب گروهی فعلی غیر موضوعی

واژه‌های مرکب گروهی فعلی غیر موضوعی از انضمام گروه صفتی و یا گروه حرف اضافه‌ای به سازه برگرفته فعلی شکل می‌گیرند و براساس نوع واژه منضم شده به ستاک برگرفته فعلی به دو دسته ترکیب‌های گروهی فعلی افزوده‌ای و صفتی گروه‌بندی می‌شوند. این دو گروه می‌توانند درون مرکز و برون مرکز باشند.

واژه‌های مرکب گروهی افزوده‌ای درون‌مرکز دارای هسته معنایی هستند و یکی از دو سازه، هسته معنایی ترکیب واقع می‌شود. این ترکیب‌ها از انضمام گروه اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای در معنای قیدها (مکان، زمان، حالت، و مقدار) به سازه برگرفته فعلی شکل می‌گیرند. در نمونه‌های پیش‌یا/افتادگی (پیش یا افتاده بودن)، تودل‌برو (آنکه توجه و علاقه دیگران را به سوی خود جلب می‌کند)، از آب گذشته (ویژگی هر چیزی (خوردنی) که از جایی دور، سوغات آورده باشند) و زیروروکننده (آن چه می‌تواند در کسی، چیزی یا کاری ایجاد تحول و دگرگونی عمیق کند) گروه اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای در معنای قید مکان در ساخت ترکیب مشارکت دارند. در نمونه‌های درهم‌فرورفته (ویژگی آن چه اجزای آن در یک‌دیگر داخل شده‌است)، درهم‌شکستگی (شکسته و خراب بودن)، درهم‌پیچیده (دارای حالت درهم پیچیدگی) و ازبرخوانی (چیزی را از حفظ خواندن) گروه حرف اضافه‌ای در معنای قید حالت ترکیب را شکل داده‌اند. در نمونه‌های از آب گرفته (به آسانی و بی‌زحمت به دست آمده)، از انداز گذشته (بی‌شمار و فراوان)، گروه حرف اضافه‌ای در معنای قید مقدار در ساخت ترکیب نقش دارند. نمونه‌های از دست رفته/از دست داده (به تازگی در گذشته)، گروه حرف اضافه‌ای معنای زمان را دربردارد.

ترکیب‌های گروهی درهم‌شکستگی، درهم‌شکسته (شکسته و خراب)، ازبرخوانی (نوعی خواندن) و درهم‌آمیختگی (نوعی آمیختگی و مختلط بودن)، واژه‌های مرکب هسته‌پایانی هستند. نمونه‌های جابه‌جاشدگی و جابه‌جاپذیری نوعی جابه‌جایی و نشان‌دهنده هسته‌آغازین بودن این ترکیب‌ها هستند. فراوانی ترکیب‌های گروهی فعلی افزوده‌ای هسته‌پایانی بیشتر از نوع هسته‌آغازین است.

واژه‌های مرکب گروهی فعلی افزوده‌ای برون‌مرکز از طریق انضمام گروه حرف اضافه‌ای به سازه برگرفته فعلی شکل می‌گیرند و ترکیب در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌های ترکیب واقع نمی‌شود. در ترکیب‌های از/پا/افتاده/از پادرا آمده، هیچ‌یک از سازه‌های آغازین (از/پا) و پایانی (افتاده/درا آمده) را نمی‌توان به جای ترکیب استفاده کرد. زیرا از/پا/افتاده/از پادرا آمده ویژگی کسی است که به دلیلی مانند بیماری و یا پیری توان راه رفتن ندارد. همچنین، از جنگ برگشته نوعی جنگ و یا برگشتن نیست بلکه به وضع نامناسب و آشفته و یا به آن چه بسیار کهنه و پاره باشد گفته می‌شود. ترکیب‌های به جان آمده (بسیار آزرده)، شکم به آب زن (آنکه تمام دارایی خود را صرف خوش گذرانی می‌کند) و از خلد/خواست (با کمال علاقه مندی و اشتیاق) نیز از این مقوله‌اند.

واژه‌های مرکب گروهی فعلی وصفی از انضمام گروه صفتی به اسم یا صفت برگرفته فعلی شکل می‌گیرند. حرام/ [و] حلال شناس (ویژگی آنکه تفاوت بین حرام و حلال را می‌داند و مرتکب

عمل خلاف شرع نمی‌شود. سرد [و/ گرم چشیده و گرم/ و/ سرد چشیده (دارای تجربه‌های بسیار) نمونه‌هایی از ترکیب‌های گروهی فعلی وصفی هستند. در این نمونه‌ها، ترکیب در شمول معنایی هیچ‌یک از سازه‌های آغازین و یا پایانی واقع نمی‌شود، بلکه به فرد یا افرادی در خارج از ترکیب اشاره دارد که دارای تجربه هستند یا اینکه عمل خلاف شرع انجام نمی‌دهند. در زبان فارسی ترکیب گروهی فعلی وصفی درون‌مرکز وجود ندارد.

نمونه‌هایی از ترکیب‌های گروهی غیر فعلی در جدول (۱) ارائه شده‌است. همچنین، فراوانی واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی، هسته نحوی، هسته معنایی، مقوله و سازه‌های سازنده آن‌ها در جدول (۲)، ارائه شده‌است.

### جدول ۱: نمونه‌هایی از ترکیب‌های گروهی فعلی

مقوله دستوری واژه‌های سازنده					مقوله ترکیب			معنایی		نحوی		واژه مرکب گروهی فعلی	
اسم + گروه حرف اضافه ای + ستاک فعل + پس]	گروه حرف اضافه ای + ستاک فعل + پس]	گروه صفتی + ستاک فعل + پس]	گروه اسمی + ستاک + پس]	گروه اسمی + ستاک فعل +	تبدیل	صفت	اسم	درون مرکز		نامشخص	دارای هسته		
								هسته پایانی	هسته آغازین		هسته پایانی		هسته آغازین
				+		+		+			+		آب و نان‌دار
				+		+		+			+		وصله [و] پینه‌دار
			+			+		+			+		تجدیدنظر خواهی
			+			+		+			+		چشم و گوش بسته
		+				+		+			+		حرام و حلال شناس
		+				+		+			+		سرد و گرم چشیده
	+					+		+			+		از خود گذشته
	+					+		+			+		از کار افتاده
+						+		+			+		حال به هم خوردگی
+						+		+			+		دوبه هم زن
			+		+			+			+		جست و خیز کنان

## جدول ۲: فراوانی واژه‌های مرکب گروهی فعلی، هسته نحوی، معنایی و مقوله دستوری

### واژه‌های سازنده

فراوانی واژه‌های مرکب گروهی فعلی	نحوی		معنایی		مقوله ترکیب			مقوله دستوری واژه‌های سازنده					
	دارای هسته		درون مرکز		برون مرکز	فعل	صفت	اسم	گروه اسمی + ستاک فعل +	گروه اسمی + ستاک فعل +	گروه صفتی + ستاک فعل +	گروه حرف اضافه ای + ستاک فعل +	اسم + گروه حرف اضافه ای + ستاک فعل +
	هسته پایانی	هسته آغازین	هسته پایانی	هسته آغازین									
۱۳۵	۰	۱۳۵	۰	۰	۹۱	۶	۸۹	۴۰	۱۷	۳۲	۵	۶۰	۲۱

بررسی ۱۳۵ واژه مرکب گروهی فعلی نشان داد که در زبان فارسی گروه‌های نحوی اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای در ساخت ترکیب‌های گروهی فعلی مشارکت دارند. برای نمونه، ترکیب چشم‌وگوش‌بسته «بی‌اطلاع و ناهوش‌یار» متشکل از دو سازه چشم‌وگوش و بسته است. هسته نحوی در ترکیب سازه هم‌مقوله با کل ترکیب و آن سازه‌ای است که مقوله نحوی ترکیب را مشخص می‌سازد. در این ترکیب سازه آغازین اسم و سازه پایانی (برگرفته فعلی)، صفت است. سازه پایانی [بست-ه] که دارنده وند است هسته نحوی ترکیب است، زیرا سازه هم‌مقوله با کل ترکیب است و مقوله نحوی ترکیب را مشخص می‌سازد. ترکیب بالا نه نوعی چشم‌وگوش و نه نوعی بسته است بلکه به مفهومی در خارج از ترکیب اشاره دارد و از این رو برون‌مرکز است. در ترکیب آب‌ونان‌دار / نان‌وآب‌دار «پر درآمد»، نان‌وآب اسم و سازه پایانی [دار/و] صفت و هم‌مقوله یا کل ترکیب است زیرا وند اشتقاقی صفر که به ستاک برگرفته فعلی پیوسته شده است، مقوله خود را به کل ترکیب تراوش کرده است. این ترکیب از جنبه معنایی برون‌مرکز است زیرا به مشخصه‌ای در خارج از ترکیب اشاره دارد. ترکیب‌های گروهی فعلی سه مقوله اسمی، صفتی و قیدی را شامل می‌شوند. افزون بر این، همه ترکیب‌های گروهی فعلی در زبان فارسی از جنبه نحوی هسته پایانی و از جنبه معنایی هسته پایانی و برون‌مرکز هستند. از آن‌جا که در ترکیب‌های گروهی فعلی زبان فارسی وند اشتقاقی متصل به ستاک برگرفته فعلی هسته نحوی ترکیب را تعیین می‌کند و این دو همیشه سازه پایانی ترکیب گروهی فعلی هستند، بنابراین ترکیب گروهی فعلی هسته آغازین در زبان فارسی وجود ندارد.

#### ۴.۲. ترکیب گروهی غیر فعلی

واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی به ساخت‌هایی گفته می‌شود که متشکل از دو سازه گروه نحوی (اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای) و مقوله واژگانی باشند. مقوله واژگانی، هسته نحوی ترکیب در واژه‌های مرکب دارای هسته است و هسته نحوی، اسم و صفتی است که برگرفته از فعل نباشد. در ترکیب‌های بدون هسته، مقوله واژگانی هسته نحوی نیست. ترکیب گروهی صفتی چشم‌ودل‌سیر (آنکه به مادیات اهمیت نمی‌دهد) از انضمام گروه اسمی چشم‌ودل به صفت سیر تشکیل شده است. واژه مرکب قیدی کرایه‌درمقصد، از انضمام گروه حرف اضافه‌ای درمقصد به اسم کرایه ایجاد شده است. همچنین، ترکیب گروهی غیر فعلی اسمی دست‌به‌آب از منضم شدن اسم دست به گروه حرف اضافه‌ای به‌آب ساخته شده است.

#### ۴.۲.۱. ترکیب گروهی غیر فعلی از نظر هسته نحوی

واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی در زبان فارسی از نظر هسته نحوی به دو دسته دارای هسته و فاقد هسته گروه‌بندی می‌شوند. از آن‌جا که در ساختار این ترکیب‌ها، گروه نحوی وجود دارد و یکی از سازه‌ها الزاماً گروه نحوی است که به اسم و یا صفت منضم می‌شود، سازه‌های تشکیل‌دهنده ترکیب گروهی غیر فعلی مقوله نحوی یکسان ندارند؛ در نتیجه ترکیب گروهی غیر فعلی دارای هسته نحوی نامشخص در زبان فارسی وجود ندارد.

#### ۴.۲.۱.۱. ترکیب گروهی غیر فعلی دارای هسته

واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی دارای هسته، هسته نحوی دارند و این هسته که سازه واژگانی است، برگرفته از فعل نیست. برای نمونه، در ترکیب گروهی غیر فعلی دست‌ودل‌پاک (آن که به مال و ناموس دیگران خیانت نمی‌کند) هسته نحوی پاک است. زیرا کل ترکیب صفت است و سازه پایانی پاک نیز صفت است و مقوله آن به کل ترکیب تراوش می‌کند. همچنین، در نمونه پرآب‌وتاب (با طول و تفصیل بسیار)، هسته نحوی پر است و نه سازه گروهی آب‌وتاب. زیرا کل ترکیب صفت است و پر نیز صفت است. تفاوت دو ترکیب دست‌ودل‌پاک و پرآب‌وتاب در این است که نمونه دوم هسته آغازین و نمونه اول هسته پایانی است. بنابراین، از نظر هسته نحوی، واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی هر دو نوع ترکیب هسته‌آغازین و هسته پایانی را دارا هستند. ترکیب‌های دست‌به‌آب، دیگ‌به‌سر، شانه‌به‌سر، پرچنب‌وجوش، خوش‌آب‌ورنگ و کم‌دل‌وجرات هسته آغازین و نمونه‌های چشم‌وگوش‌باز، دست‌ودل‌پاک، دل‌وزبان‌یکی و چشم‌ودل‌سیر از نوع هسته پایانی هستند.

#### ۴. ۲. ۱. ۲. ترکیب گروهی غیر فعلی بدون هسته

در واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی فاقد هسته، مقوله دستوری واژه مرکب متفاوت از مقوله‌های دستوری سازه‌های سازنده ترکیب است. برای نمونه، در ترکیب آتش‌به‌گور (مردم‌آزار و ستم‌کار)، کل ترکیب صفت است و سازه آغازین (آتش) اسم و سازه پایانی (به‌گور) گروه حرف اضافه‌ای است؛ در نتیجه، مقوله هیچ‌یک از سازه‌ها با مقوله ترکیب یکسان نیست و هیچ کدام نمی‌توانند مقوله خود را به کل ترکیب تراوش کنند و مقوله آن را رقم بزنند. نمونه‌های آرزو به دل، خون به جگر، دست به سینه، خانه به دوش و عمامه به سر نیز از این مقوله هستند.

#### ۴. ۲. ۲. ترکیب گروهی غیر فعلی از نظر هسته معنایی

بررسی پیکره ترکیب گروهی غیر فعلی (۱۴۶ مورد) در زبان فارسی نشان داد که واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی از جنبه معنایی بدون هسته هستند. به بیان دیگر، هسته معنایی در خارج از ترکیب واقع است. برای نمونه، ترکیب آدم‌به‌دور، نوعی آدم و به‌دور نیست، بلکه به کسی اشاره دارد که به سبب پرهیز از معاشرت یا آمیزش با دیگران، فاقد خصوصیات یا رفتار اجتماعی متناسب با جامعه است. همچنین، دست‌ودل‌پاک نوعی دست‌ودل و یا نوعی پاک نیست بلکه به آنکه به مال و یا ناموس دیگران خیانت نمی‌کند، گفته می‌شود. همچنین است پر آب و تاب که نه نوعی پر و نه نوعی آب و تاب است، بلکه به مشخصه آن چیزی که با طول و تفصیل بیان می‌شود اشاره دارد. به بیان دیگر، ترکیب‌های گروهی غیر فعلی که از جنبه نحوی هسته آغازین، هسته پایانی و یا بدون هسته هستند از جنبه معنایی فقط برون‌مرکز هستند. برای نمونه، از نظر نحوی، ترکیب گروهی غیر فعلی هسته آغازین بد آب و هوای از جنبه معنایی، نه نوعی بد و نه نوعی آب و هوا است بلکه به مکانی گفته می‌شود که فاقد آب و هوای مناسب است. همچنین، ترکیب گروهی غیر فعلی چشم‌ودل سیر که از جنبه نحوی هسته پایانی است از نظر معنایی برون‌مرکز است و به آن کسی اشاره دارد که به مادیات اهمیت نمی‌دهد. نمونه‌هایی که از جنبه نحوی هسته ندارند مانند حق به جانب (ویژگی آن که چنین وانمود می‌کند که حق با اوست) و دست به سینه (کاملاً مطیع و فرمان‌بردار) نیز از جنبه معنایی برون‌مرکز هستند.

نمونه‌هایی از ترکیب‌های گروهی غیر فعلی در جدول (۳) ارائه شده است. همچنین، فراوانی واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی، هسته نحوی، هسته معنایی، مقوله و سازه‌های سازنده آن‌ها در جدول (۴) ارائه شده است.





داده‌های جدول‌های (۳) و (۴) نشان می‌دهد که در زبان فارسی ترکیب‌های گروهی غیر فعلی از جنبه نحوی دارای هسته (هسته‌آغازین و هسته‌پایانی) و فاقد هسته هستند. واژه‌های مرکب بدون هسته فراوانی بیشتری در مقایسه با ترکیب‌های هسته‌آغازین و هسته‌پایانی دارند. از ۱۴۶ واژه مرکب، ۸۷ واژه بدون هسته، ۴۴ واژه هسته‌آغازین و ۱۵ واژه هسته‌پایانی هستند. از جنبه معنایی، همه واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی برون‌مرکز هستند. افزون بر این، صفت‌های مرکب گروهی غیر فعلی (۱۱۵ مورد) فراوانی بیشتری در مقایسه با اسم‌ها (۱۶ مورد) و قیدهای مرکب گروهی غیر فعلی (۱۵ مورد) دارند. همچنین، گروه حرف اضافه‌ای (۹۵ مورد) در مقایسه با گروه اسمی (۴۸ مورد) و گروه صفتی (۳ مورد) مشارکت بیشتری در ساخت ترکیب‌های گروهی غیر فعلی دارد.

#### ۳.۴. مقایسه ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی

ترکیب‌های گروهی فعلی ساخت‌هایی هستند که از انضمام گروه اسمی، صفتی و یا حرف اضافه‌ای به هسته واژگانی برگرفته فعلی اسم، صفت و قید شکل می‌گیرند. این در حالی است که ترکیب‌های گروهی غیر فعلی از انضمام گروه اسمی، صفتی و یا حرف اضافه‌ای به اسم و یا صفت ساخته می‌شوند. در ترکیب‌های گروهی فعلی سازه واژگانی هسته نحوی ترکیب است، حال آنکه در نوع غیرفعلی در صورتی که ترکیب دارای هسته نحوی باشد، سازه واژگانی هسته ترکیب است، ولی در نوع فاقد هسته، سازه واژگانی هسته ترکیب نیست. این یافته در مورد ترکیب گروهی غیر فعلی با یافته‌های تریپس (Trips, 2014: 44)، بوی (Booij, 2019) و تریپس و کرنفیل (Trips & Kornfilt, 2017) در مورد ترکیب‌های گروهی سازگار نیست، مبنی بر اینکه همه ترکیب‌های گروهی دارای هسته نحوی واژگانی هستند. در جدول (۵)، این دو نوع ترکیب از جنبه نحوی و معنایی با یکدیگر مقایسه شده‌است.

جدول ۵: ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی از جنبه هسته نحوی و معنایی

معنایی				نحوی								
ترکیب گروهی غیرفعلی		ترکیب گروهی فعلی		ترکیب گروهی غیرفعلی				ترکیب گروهی فعلی				
برون‌مرکز	درون‌مرکز	برون‌مرکز	درون‌مرکز	فاقد هسته	ناشخص	هسته دار		فاقد هسته	ناشخص	هسته دار		
	هسته‌پایانی		هسته‌آغازین			هسته‌پایانی	هسته‌آغازین			هسته‌پایانی	هسته‌آغازین	
	۰	۰	۹۱	۸۷	۰	۱۵	۴۴	۰	۰	۱۳۵	۰	فراوانی
۱۴۶		۱۳۵		۱۴۶				۱۳۵				تعداد کل



بررسی داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که گروه حرف اضافه‌ای با ۷۷ مورد (۵۷/۰۳ درصد) و سپس گروه اسمی با ۴۹ مورد (۳۶/۲۹ درصد) بیشترین مشارکت را در ساخت ترکیب‌های گروهی فعلی ایفا می‌کنند. در نوع غیر فعلی، گروه حرف اضافه‌ای با ۹۵ مورد (۶۵/۰۶ درصد) و گروه اسمی با ۴۶ مورد (۳۱/۵۰ درصد) بیشترین نقش را داشتند. به طور کلی، در زبان فارسی گروه حرف اضافه‌ای (۶۱/۲ درصد) و سپس گروه اسمی (۳۳/۸۰ درصد) نقش مهمی در ساخت ترکیب‌های گروهی دارند.

با توجه به رفتار نحوی ترکیب گروهی در زبان فارسی، ترکیب گروهی ساختی است که از انضمام گروه نحوی به سازه‌واژگانی شکل می‌گیرد و این تعریف با پژوهش‌های دیگر پژوهشگران (Lieber, 2010; Trips, 2014, p. 44; Booij, 2019; Trips & Kornfilt, 2017) مبنی بر اینکه در ترکیب گروهی سازه‌واژگانی هسته‌نحوی است، هماهنگ و سازگار نیست. زیرا پیامد پذیرش سازه‌واژگانی در ساخت ترکیب گروهی در نقش هسته‌نحوی در زبان فارسی آن است که ترکیب گروهی الزاماً هسته‌نحوی دارد. تعریف بالا در واژه‌های مرکب گروهی فعلی صدق می‌کند اما برای ترکیب‌های گروهی غیرفعلی همخوانی ندارد. برای نمونه، در ترکیب‌های گروهی غیر فعلی چادر به سر، گور به گور و خانه به دوش، مقوله‌دستوری واژه‌های مرکب در آن‌ها صفت است که با مقوله‌دستوری هیچ‌یک از سازه‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها یکی نیست و ترکیب‌های بالا فاقد هسته‌نحوی هستند. با توجه به این موارد، تعریف بالا در نمونه‌های فعلی همخوانی دارد، ولی در نمونه‌های غیر فعلی به سبب وجود ترکیب‌های گروهی بدون هسته انطباق ندارد. همچنین، از آن‌جا که در زبان فارسی در ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی هر دو سازه نمی‌توانند مقوله‌نحوی یکسان اسمی، صفتی و قیدی داشته باشند و یکی از سازه‌های سازنده ترکیب، گروه نحوی است، بنابراین ترکیب گروهی فعلی و غیر فعلی نامشخص از جنبه‌هسته‌نحوی در زبان فارسی شکل نمی‌گیرد.

این یافته که گروه نحوی در ترکیب‌های گروهی غیر فعلی زبان فارسی در دو جایگاه آغازین و پایانی ترکیب واقع می‌شود، برخلاف یافته‌های لیبر (Lieber, 2010)، پلاگ (Plag, 2003) و کاگیاما (Kageyama, 2009) است. افزون بر این، واقع شدن گروه نحوی در آغاز ترکیب‌های گروهی فعلی در زبان فارسی و غیرهسته بودن آن هماهنگ با یافته‌های کاگیاما (Kageyama, 2009) در زبان ژاپنی است. از نظر هسته‌نحوی، ترکیب‌های گروهی فعلی هسته‌پایانی هستند، در حالی که نوع غیر فعلی، هسته‌آغازین، هسته‌پایانی و بدون هسته هستند. از نظر هسته معنایی، ترکیب‌های گروهی فعلی هسته‌پایانی و برون مرکز هستند، ولی واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی

همگی برون‌مرکز هستند. این یافته، با یافته‌های بوی (Booij, 2019) و تریپس و کرنفیلد (Trips & Kornfilt, 2017) سازگار نیست، مبنی بر اینکه در ترکیب‌های گروهی ارتباط معنایی بین سازه هسته و غیرهسته وجود دارد و ترکیب نوعی سازه هسته است.

## ۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ترکیب گروهی در زبان فارسی معاصر با توجه به ۲۸۱ واژه مرکب گروهی (۱۳۵) ترکیب گروهی فعلی و ۱۴۶ ترکیب گروهی غیر فعلی) استخراج شده از فرهنگ بزرگ سخن انوری (Anvari, 2007) بررسی شد. بررسی داده‌ها و مطابقت ساختار نحوی و معنایی آن‌ها با معیارهای ترکیب تأییدی است بر اینکه ترکیب گروهی فرایند واژه‌سازی است، ولی در مقایسه با ترکیب‌های فعلی و غیر فعلی زایایی کمتری در فرایند واژه‌سازی دارد.

در ترکیب گروهی، گروه نحوی سازه غیر هسته و سازه واژگانی در ساخت‌های دارای هسته، هسته نحوی ترکیب است. اگر هسته نحوی در ترکیب گروهی، برگرفته از فعل باشد، ترکیب گروهی فعلی و در صورتی که هسته نحوی برگرفته از فعل نباشد، ترکیب گروهی غیر فعلی است. واژه‌های مرکب گروهی فعلی سه مقوله اسم، صفت و قید را در برمی‌گیرند و همه آن‌ها (۱۳۵) مورد) از جنبه نحوی، هسته پایانی هستند. زیرا بر اساس یافته‌های بخش‌های (۱.۴) و (۱.۴.۱) سازه پایانی هم مقوله با ترکیب است و مقوله نحوی آن را تعیین می‌کند. از نظر معنایی واژه‌های مرکب گروهی فعلی درون‌مرکز هسته پایانی و برون‌مرکز هستند. زیرا بر پایه یافته‌های بخش (۲.۱.۴) و داده‌های جدول‌های (۱) و (۲)، این ترکیب‌ها در شمول معنایی سازه پایانی هستند و یا اینکه به مصداق و یا مفهومی در خارج از ترکیب اشاره دارند. با توجه به کاربرد گروه نحوی در نقش موضوع و غیر موضوع، ترکیب‌های گروهی فعلی دو طبقه موضوعی و غیر موضوعی را شامل می‌شوند. واژه‌های مرکب موضوعی درون‌مرکز و برون‌مرکز هستند. ترکیب‌های گروهی فعلی غیر موضوعی به دو طبقه افزوده‌ای و وصفی گروه‌بندی می‌شوند. واژه‌های مرکب گروهی غیر موضوعی افزوده‌ای، از انضمام موضوع معنایی به ریشه برگرفته فعلی ساخته می‌شوند، ولی در نوع وصفی، گروه صفتی به اسم یا صفت برگرفته فعلی منضم می‌شود.

یافته‌های بخش (۳.۴) نشان می‌دهد که از جنبه هسته نحوی واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی تنوع بیشتری در مقایسه با انواع فعلی دارند و هسته‌آغازین، هسته پایانی و بدون هسته هستند. افزون بر این، از نظر هسته معنایی همه ترکیب‌های گروهی غیر فعلی برون‌مرکز هستند. واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی اسمی، صفتی و قیدی از انضمام مقوله‌های اسم و صفت به گروه‌های اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای ساخته شده‌اند. در ترکیب‌های گروهی غیر فعلی برخلاف ترکیب‌های

گروهی فعلی که گروه نحوی در آغاز ترکیب واقع می‌شود، گروه‌های نحوی، سازه‌های آغازین یا پایانی ترکیب هستند.

مقایسه ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی نشان می‌دهد که از نظر مقوله‌های تشکیل دهنده، گروه غیر فعلی تنوع بیشتری در مقایسه با نوع فعلی دارد. افزون بر این، در هر دو نوع ترکیب، از میان گروه‌های نحوی گروه حرف اضافه‌ای بیشتر از گروه‌های نحوی اسمی و صفتی در ساخت ترکیب‌های گروهی فعلی و غیر فعلی ایفای نقش می‌کنند. از نظر هسته نحوی، ترکیب‌های گروهی فعلی هسته پایانی هستند ولی نوع غیر فعلی، هسته آغازین، هسته پایانی و فاقد هسته هستند. از نظر هسته معنایی، ترکیب‌های گروهی فعلی هسته پایانی و برون مرکز هستند در حالی که واژه‌های مرکب گروهی غیر فعلی همگی برون مرکز هستند.

### فهرست منابع

- احمدی، محیا و مزدک انوشه (۱۳۹۸). «طبقه‌بندی واژه‌های مرکب زبان فارسی از منظر نظریه صرف توزیعی». *پژوهش‌های زبانی*. دوره ۱۰. شماره ۲. صص ۱-۲۰.
- ارکان، فائزه (۱۳۹۰). «بررسی تحلیل عناصر ساخت واژی کلمات مرکب فعلی بر مبنای نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی». *پژوهش‌های زبانی*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۱-۲۰.
- اسلامی پور، نجمه، شهرام مدرس خیابانی، بهرام مدرسی و ایران کلیاسی (۱۳۹۵). «بررسی و مقایسه ساخت واژه‌های مرکب پر بسامد در زبان فارسی بر اساس دو الگوی صرفی واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد». *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۳. شماره ۱۴. صص ۱-۲۲.
- انوری، حسن (۱۳۸۶). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۴. تهران: انتشارات سخن.
- پورشاهیان، بهار، آرزو نجفیان، بلقیس روشن، بلقیس و مهدی سبزواری (۱۳۹۵). «بررسی ساخت مرکب‌های برون مرکز زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۲. شماره ۲۳. صص ۳۹-۶۰.
- خیابز، مجید (۱۳۸۵). *ترکیب غیر فعلی در زبان فارسی*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.
- خیابز، مجید (۱۳۸۶). *جایگاه هسته در کلمات غیر فعلی فارسی*. دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان. جلد ۳. شماره ۳. صص ۱۶۶-۱۵۳.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۶). «ترکیب در زبان فارسی (۱)». *نامه فرهنگستان*. دوره ۹. شماره ۳ (پیاپی ۳۵). صص ۱۸۶-۱۹۶.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۹). «ترکیب در زبان فارسی (۶)». *نامه فرهنگستان*. دوره ۱۱. شماره ۳ (مسلسل ۴۳). صص ۱۵۱-۱۶۵.

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۳۷

طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۰). «ترکیب در زبان فارسی (۷)». نامه فرهنگستان. دوره ۱۲. شماره ۲ (مسلسل ۴۶)، صص ۱۵۳-۱۷۰.

غنچه پور، موسی (۱۳۹۲). ترکیب فعلی در زبان فارسی. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.  
غنچه پور، موسی. (۱۳۹۷). «ترکیب فعلی: فرایندی صرفی یا نحوی؟ یک بررسی پیکره بنیاد». زبان پژوهی. دوره ۱۰. شماره ۲۸. صص ۱۷۳-۱۴۹.

## References

- Ahmadi, M., & Anoushe, M. (2020). The Classification of Compounds in Distributed Morphology. *Language Research*, 10(2), 1-20 [In Persian].
- Anvari, H. (2007). *Farhang-i buzurg-i Sukhan* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Sokhan [In Persian].
- Arkan, F. (2011). The Study of Morphological Elements of Verbal Synthetic Compounds Based on Lexeme-Based Morphology. *Language Research*, 2(1), 1-20 [In Persian].
- Bagasheva, A. (2017). On a subclass of nominal compounds in Bulgarian: The nature of phrasal compounds. In C. Trips & J. Kornfilt (eds.), *Furthur investigations into the nature of phrasal compounding* (pp. 81-119). Berlin: Language Science Press.
- Bauer, L. (1983). *English Word-Formation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bisetto, A., & Scalise, S. (2005). The Classification of Compounds in *Lingue e Linguaggio*, 2, pp 319-332.
- Bisetto, A., & Scalise, S. (2005). The Classification of Compounds in *Lingue e Linguaggio* 2, 319-332.
- Booij, G. (2005). Construction-dependent Morphology, *Lingue e Linguaggio*, IV (2), 163-78.
- Booij, G. (2019). *The Morphology of Dutch*. Oxford & New York: Oxford University Press.
- Botha, R. P. (2015). Do Romance languages have phrasal compounds? A look at Italian. *STUF—Language Typology and Universals*, 68, 395-419.
- Bresnan, J., & Mchombo, S. (1995). The lexical integrity principle: Evidence from Bantu. *Natural language and linguistic theory*, 13, 181-254.
- Bresnan, J., & Mchombo, S. (1995). The lexical integrity principle: Evidence from Bantu. *Natural language and linguistic theory*, 13, 181-254.
- Eslamipour, N., Modarres Khiabani, S., Modarresi, B., & Kalbassi, I. (2016). Study and Comparison of Highly-frequent Compounds Structure in Persian on the Basis of Word-based Morphology and Morpheme-based Morphology. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 3(14), 1-22 [In Persian].
- Ghonchepour, M. (2014). Verbal compounding in Persian (PhD Dissertation). Allame Tabataba'I University, Tehran, Iran [In Persian].
- Ghonchepour, M. (2018). Verbal compounding: A syntactic or Morphological processing? A corpus- based study, *Zabanpazhuhi*, 10(28), 149-173 [In Persian].
- Harley, H. (2009) Compounding in Distributed Morphology. In R. Lieber, and P. štěkauer (Eds.) *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 105-129).

- Oxford: Oxford University Press.
- Hein, K. (2011). Phrasenkomposita–ein wortbildungsfremdes Randphänomen zwischen Morphologie und Syntax. *Deutsche Sprache*, 39 (4), 331-361.
- Huang, S. (1998). Chinese as a headless language. In J. Packard (ed.) *Compounding Morphology: New Approaches to Chinese word Formation* (pp. 261-283), Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Huddleston, R., & Pullum, G. K. (2002). *The Cambridge Grammar of the English Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jespersen, O. (1946). *A Modern English Grammar on Historical Principles. Part VI Morphology*. London: George Allen & Unwin Ltd.
- Kageyama, T. (2009). Isolate: Japanese. In Rochelle Lieber & Pavol Štekauer (eds.), *The Oxford handbook of compounding* (pp. 512–526). Oxford: Oxford University Press.
- Kavka, S. (2009). Compounds and idiomatology. Lieber, Rochelle, Pavol Štekauer, eds. *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 19-33). Oxford: Oxford University Press.
- Khabbaz, M. (2006). Root compounding in Persian (PhD Dissertation). Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Khabbaz, M. (2007). The Place of head in Root compounds in Persian. *Grammar, Name-ye Farhangestan*, 3 (3), 153-166 [In Persian].
- Kornfeld, L. (2009) IE, Romance: Spanish. In R. Lieber and P. štekauer (eds.), *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 436-453), Oxford: Oxford University Press.
- Lawrenz, B. (2006). *Moderne deutsche Wortbildung. Phrasale Wortbildung im Deutschen: Linguistische Untersuchung und sprachdidaktische Behandlung*. German: Dr. Kovac, Hamburg.
- Lieber, R. (2005). English word-formation processes. Štekauer, P. & R. Lieber (eds). *Handbook of Word-Formation* (pp. 375-428). Dordrecht: Springer.
- Lieber, R. (2009) IE, Germanic: English. In R. Lieber and P. štekauer (eds.) *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 357-370). Oxford: Oxford University Press.
- Lieber, R. (2010). *Introducing Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mathesius, V. (1975). *A Functional Analysis of Present-Day English on a General Linguistic Basis*. Praha: Academia.
- Meibauer, J. (2007). How marginal are phrasal compounds. Generalized insertion, expressivity, and I/Q-interaction. *Morphology*, 17, 233-259.
- Menova, M. (2012). *Phrasal Compounds in Contemporary British Newspapers* (PhD Dissertation). Karlovy v Praze University, Czechia, Prage.
- Namiki, T. (2001). *Further evidence in support of right hand head rule in Japanese. Issues in Japanese phonology and morphology*. Hague: Mouton De Gruyter.
- Neef, M. (2009). IE, Germanic: German. Lieber, Rochelle Pavol Štekauer (eds.). *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 386-399). Oxford: Oxford University Press.
- Nosek, J. (1985). Quotational compounds in Modern English and Czech. *Philologica Pragensia* 28, 159-164.
- Pafel, J. (2015). Phrasal compounds are compatible with Lexical Integrity. *Language Typology and Universals*, 68, 263–280.



- Pafel, J. (2017). Phrasal compounds and the morphology-syntax relation. In Carola Trips & Jaklin Kornfilt (eds.), *Further investigations into the nature of phrasal compounding* (pp. 233–259). Berlin: Language Science Press. DOI:10.5281/zenodo.896369
- Plag, I. (2003). *Word-formation in English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pourshahian, B., Najafian, A., Rowshan, B., & Sabzevari, M. (2016). The study of Persian exocentric compounding words. *Language and Linguistics*, 12(23), 39-60 [In Persian].
- Ralli, A. (2009) "IE, Hellenic: Modern Greek". In R. Lieber and P. Štekauer (eds.). *The Oxford Handbook of Compounding* (pp. 453-464), Oxford: Oxford University Press.
- Scalise, S., & Vogel, I. (eds.). (2010). *Cross-Disciplinary issues in compounding*. Amsterdam/Philadelphia: Benjamins.
- Shaghaghi, V. (2007). *An Introduction to Morphology*. Tehran: Samt Publication [In Persian].
- Spencer, A. (2005). Word-Formation and Syntax, in P. Štekauer and R. Lieber (eds.), *Handbook of Word-Formation*, (pp. 73-97). Amsterdam: Springer.
- Štekauer, P. & Lieber, R. (eds.). (2009). *The Oxford handbook of compounding*. Oxford: Oxford University Press.
- Strauss, S. (1982). On Relatedness paradoxes and related paradoxes. *Linguistic Inquiry*, 13, 694–70
- Szymanek, B. (2017). Compounding in Polish and the absence of phrasal compounding. In C. Trips & J. Kornfilt (eds.). *Further investigations into the nature of phrasal compounding* (pp. 51-79). Berlin: Language Science Press.
- Tabataba'i, A. (2003). *Compound noun and Adjective in Persian*. Tehran: University publication center [In Persian].
- Tabataba'i, A. (2003). *Compound noun and Adjective in Persian*. Tehran: University publication center [In Persian].
- Tabataba'i, A. (2007). Compound in Persian (1). *Name-ye Farhangestan*, 9 (3), 186-196 [In Persian].
- Tabataba'i, A. (2010). Compound in Persian (6), *Name-ye Farhangestan*, 11 (3), 151-165 [In Persian].
- Tabataba'i, A. (2011). Compound in Persian (7), *Name-ye Farhangestan*, 12 (2), 153-170 [In Persian].
- Trips, C. (2012). Empirical and theoretical aspects of phrasal compounding against the 'syntax explains it all' attitude. In A. Ralli, G. Booij, S. Scalise & A. Karasimos (eds.), *Online Proceedings of the eighth Meranean Morphology Meeting* (pp. 322–346). Patras: University of Patras.
- Trips, C. (2014). How to account for the expressive nature of phrasal compounds in a conceptual-semantic framework. *SKASE. Journal of Theoretical Linguistics*, 11(1), 33-61.
- Trips, C., & Kornfilt, J. (2015). Phrasal compounds from a typological and theoretical perspective. *STUF-Language Typology and Universals*, 68 (3), 281-321.
- Trips, C. and Kornfilt, J. (eds). (2017). *Further investigations into the nature of phrasal compounding*. Berlin: Language Science Press.
- Vahedi, M. M. (2009). A survey of two types of alternating agentive nominals in Persian. In *Proceedings of the 2009 annual meeting of the Canadian*

*Linguistic Association* (pp. 1-16). Canada: Brock University.  
Wiese, R. (1996). Phrasal compounds and the theory of word syntax. *Linguistic inquiry*, 27(1), 183-193.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

